

سال نخستین

مجله سیاسی و ملی ماهانه

آینه

با قسمتهای تاریخی، ادبی، اجتماعی، اقتصادی و غیره

مؤسس و نگارنده

دکتر افشار

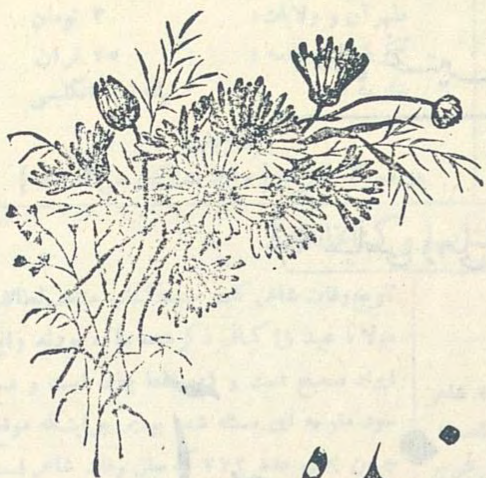
(دکتر در علوم سیاسی)

تهران

خیابان بهلوی

۱۳۴۳ ه. ق. - ۱۳۰۴ ه. ش. - ۱۹۲۵ م.

مطبعة «مجلس»



آینده

زمانه هر نفسی بازئی نماید-و
مکن بروز گذشته قیاس آینده !
بدهر آنچه گذشت از زمانه درخور حمد
مگر کنیم ازین پس سپاس آینده .
زدور کاس نخستینه ام فرود خار
مگر نشاط بیابم زکاس آینده .
گذشت عمر تو چون تو سن گسسته عنان
بهوش باش و نگهدار پاس آینده ! (۱)

(۱) (این چند شعر از قطعه ای که آقای ادیب پیشاوری برای مجله «آینده»
فرموده اند استخراج و این اوراق بدان مزین گردید. تمام آن در یکی از
شماره های بعد منتشر خواهد شد.)

۱ آغاز نامه

رسم است و نیکو رسمی است که هر مجله یا روز نامه در نخستین شماره مرام و مسلک خود را برای خوانندگان شرح میدهد. ما نیز در این مقدمه اصول عقاید خود را بیان میکنیم.

گذشته - امروز - آینده

گذشته ایران که اطلاعات تاریخی یا افسانه از آن داریم شامل چندین هزار سال است. شاهنامه فنا ناپذیر فردوسی و کتابهای تاریخ پراست از فتوحات و افتخاراتی که ایران را همیشه میان ملت‌های جهان سر بلند خواهد داشت. خرابه های «استخر»، «بازرگادا» و «مداین» در مردشت، دشت مرغاب و کنار دجله هنوز باقیست و از گذشته با شرافت ما حکایت میکنند. مهمتر از آن یادکارهای گرانبها نیست که نویسندگان و شعرای نامی ما از خود باقی گذاشته اند و باعث سرفرازی ماست. اما باید دانست که تنها یاد آوردن آن افتخارات و نازیدن کافی نیست، بلکه لازم است آن آثار را از دستبرد پیش آمد های ناگوار نگاهداری کرد. .. بسیاری از کتابهای نفیس ما بواسطه بی توجهی از میان رفته، تمام ابنیه قدیمه خراب گردیده و اگر چیزی از آنها باقی مانده در کار نابود شدن است. باید کتب خطی قدیم را جمع آوری و چاپ کرد، کتابخانه بزرگی تأسیس نمود، از مانند آقا میرزا محمدخان قزوینی که عمر خود صرف احیاء کتب قدیمه ایران مینمایند بهتر از این تشویق و نگاهداری کرد، و از امثال پرفسور برون مستشرقینی که زندگانی خود را بخدمت زنده کردن ادبیات ما وقف کرده اند نیکوتر قدر دانی نمود. اما در گذشته نزدیک مخصوصاً قرن اخیر که دنیا سریعاً ترقی کرده است ما از کاروان عقب مانده ایم.

اوضاع امروزه ایران نسبت بساهاهی اخیری بهتر است، بلکه قابل

مقایسه نمیشد. از لحاظ سیاست خارجی باید آروز هائی را یاد آوریم که قشون روس خطه آذربایجان را متصرف شده، تا پشت دروازه طهران رسیده و هر روز با آن یاد داشتهای تهدید آمیز حمله باستقلال ما میآورد، یا آن ایامی که سپاهیان هندی انگلیس تمام ایران را در تصرف داشتند و معلوم نبود تکلیف آینده ما چیست. اگر سیاست داخلی نگاه کنیم، نظائر نایب حسین کاشی و سمیتقو را بیاد میآوریم که بر جان و مال مردم مسلط بودند. تا این اواخر امثال شیخ خزعل هر کدام در يك گوشه مملکت کوس خود سری و استقلال میکوفتند و قشون ایران که اسمی بی مسمی بود چاره آنها نمیتوانست...

امروز امنیت در سرتاسر مملکت حکمفرماست و اگر عربهای جنوب یا ترکمنهای شمال طغیانی میکنند حکومت مرکزی را آن قدرت است که قوای آنان را درهم شکسته بجای خود نشاند. از طرف دیگر دولت متوجه بعضی از مسائل مهم اقتصادی شده، کوشش دارد راه آهنی در ایران کشیده شود و امیدواریم کامیاب گردد. برکی پوشیده نیست که امنیت لازمه هر اصلاحی میباشد و خوشبختانه چون شخص مقتدری در رأس حکومت جای دارد بیم تزلزلی هم نمیروود، و باید دانست که دیگر شرط لازم هر اقدام اساسی و اصلاحی در این مملکت حکومت مقتدر و بادوام است.

پس بجهت فوق زمین مساعد آماده است و باید هر چه زود تر بذر اصلاحات افشاند. مایقین داریم که شخص آقای رئیس الوزراء و حکومت ایشان هم باین اندازه قناعت ندارند و چون ما معتقدند که امنیت را باید يك زمینه دانسته روی آن طرح اصلاحات ریخت و تافرصت است با کمال جدیت بانجام آنها پرداخت.

اقدام مهم اساسی بعد از تنظیم قشون و مالیه و استقرار امنیت بسط تعلیم و تربیت میباشد. اگر مملکت ما بنظام عمومی و اجباری احتیاج داشت بتعلیم و تربیت عمومی، اجباری و مجانی بیشتر نیاز مند است. بگمان ما این

است. تکلیف مهم دولت در آینده.



مطلوب ما: وحدت ملی ایران

«ایده ال» یا مطلوب اجتماعی ما حفظ و تکمیل وحدت ملی ایران است. مطلوب سایر ایرانیان و مخصوصاً طبقه جوان هم غیر از این نمیتواند باشد. ایده ال وحدت ملی بود که باعث تشکیل امپراطوری وملت بزرگ آلمان گردید، این مطلوب بود که سبب تاسیس سلطنت جدید ایتالیا شد، این ایده ال بود که عربستان کوچک را بنام یوگواسلاوی (اسلاو جنوبی) مملکتی بزرگ نمود، این مطلوب ملی بود که لهستان تقسیم شده میان سه دولت معظم را باز مملکتی واحد و مستقل ساخت، بواسطه این ایده ال بود که دولت رومانیستان در آتش جنگ داخل گردید و کامیاب بیرون آمد. خلاصه این قوه بزرگ معنوی و اخلاقی بود که بترکهای شکست خورده روحی تازه دمید و آنها را بفتوحات و افتخاراتی که همه شنیده اندر هبری کرد....

مقصود ما از وحدت ملی ایران وحدت سیاسی، اخلاقی و اجتماعی مردمی است که در حدود امروز مملکت ایران اقامت دارند. این بیان شامل دومفهوم دیگر است که عبارت از حفظ استقلال سیاسی و تمامیت ارضی ایران باشد. اما منظور از کامل کردن وحدت ملی این است که در تمام مملکت زبان فارسی عمومیت یابد، اختلافات محلی از حیث لباس، اخلاق و غیره محو شود، و ملوک الطوائفی کاملاً از میان برود، کرد و لر و قشقایی و عرب و ترک و ترکمن و غیره با هم فرقی نداشته، هریک بلباسی مجلس و بزبانی متکلم نباشند.... بعقیده ما تادر ایران وحدت ملی از حیث زبان، اخلاق، لباس و غیره حاصل نشود هر لحظه برای استقلال سیاسی و تمامیت ارضی ما احتمال خطر میباشد. اگر ما نتوانیم همه نواحی و طوائف مختلفی را که در ایران سکنی دارند یک نواخت کنیم، یعنی همه را بتمام معنی ایرانی نمائیم، آینده تاریکی در جلو ماست. آنها که بتاریخ ایران علاقه دارند، آنها که بزبان فارسی و ادبیات آن تعلق خاطر دارند، آنها که بمذهب شیعه علاقه مند هستند

باید بدانند که اگر رشته و حدت این مملکت از هم گسیخته شود هیچ باقی نخواهد ماند. پس همه باید یکدل و یک صدا بجواییم و کوشش کنیم که زبان فارسی در تمام نقاط ایران عمومیت پیدا کند و بتدریج جای زبانهای بیگانه را بگیرد. این کار میسر نمیشود مگر بوسیله تاسیس مدارس ابتدائی در همه جا، وضع قانون تعلیم عمومی اجباری و نجایی و فراهم آوردن وسائل اجرای آن. تدریس زبان فارسی و تاریخ ایران در تمام مملکت چاره اصلی و قطعی است ولی بعضی طرق دیگر هم که در درجه دوم اهمیت هستند بخاطر ما میسرند و در شماره های آینده شرح خواهیم داد. مثلاً باید بوسیله ساختن راههای آهن روابط سریع و ارزان میان نقاط مختلف مملکت دائر نمود تا مردم شمال و جنوب، مشرق و مغرب بیشتر بهم آمیخته شوند، باید هزار ها کتاب و رساله دل نشین کم بها. زبان فارسی در تمام مملکت بخصوص آذربایجان و خوزستان منتشر نمود. باید کم کم وسیله انتشار روزنامه های کوچک ارزان قیمت محلی زبان ملی در نقاط دوردست مملکت فراهم آورد. تمام اینها محتاج یکمک دولت است و باید از روی نقشه منظمی باشد. (١) میتوان بعضی ایالات فارسی زبان را بنواحی بیگانه زبان فرستاد و در آنجا ده نشین کرد و در عوض ایالات بیگانه زبان آن نقاط را بجای آنها بنواحی فارسی زبان کوچ داد و ساکن نمود. اسامی جغرافیائی را که زبانهای خارجی و یادگار تاخت و تاز چنگیز تیمور است باید با اسامی فارسی تبدیل کرد. باید مملکت را از لحاظ اداری مناسب با مقصود تقسیمات جدید نمود و اسامی خراسان و بلوچستان و فارس و آذربایجان و کردستان و غیره را ترك گفت - کاری که بعضی ملل دیسکر مخصوصاً فرانسویها در موقع انقلاب کردند و نتایج خوب گرفتند... دولت (١) در اجرای این مقصود است که بهای این مجله را در آذربایجان ارزانتر از طهران قرار دادیم

میتواند استعمال السنه بیگانه را تا آنجا که ممکن است در قشون، ادارات و محاکم خود منع نماید.

مسأله این اقدامات که فقط از لحاظ سیاست داخلی است مربوط به هیچ دولت خارجی نمیشد و بمنافع هیچ ملتی بر نمیخورد. ما با کمال تعجب شنیدیم که عثمانیها راجع بتصنیفات وطنی عارف در خصوص آذربایجان و انتشار آنها در جراید مرکز اظهار دلتنکی و حتی اعتراض کرده اند. بدیهی است که ما اگر میخواهیم در داخله مملکت اختلافات را از میان خود برداریم مربوط بکسی نیست و ما مخصوصاً بحفظ روابط حسنه بین ایران و دولت همسایه و همکیش خود کمال علاقه را داریم. اینرا هم اضافه نمائیم که این اقدامات را باید وقتی وطوری نمود که اشکالات مهمی نداشته باشد یا اقلاً دولت کاملاً برفع آن قادر باشد، وگرنه بانی احتیاطی ممکن است نتیجه معکوس گرفت.

از طرف دیگر ما معتقدیم که هر اندازه بتوانیم اساس امنیت و صلح را بوسیله بر انداختن اختلافات داخلی در مملکت خود محکم نمائیم باستقرار صلح عمومی عالم خدمت کرده ایم. ما ابداً افکار «امپریالیستی» نداریم و طرفدار تمایلات خیلی تند ملی یا بگفته فرانسویها «Chauvinisme» که در بعضی ممالک مخصوصاً عثمانی رواج زیادی دارد نیستیم و نمخواهیم در مملکت خود از آن تقلید نمائیم. مثلاً وقتی ما صحبت از تکمیل وحدت ملی خود میکنیم هیچ طمعی نداریم که بغداد، موصل، بادکوبه، گنجه، ایروان، بخارا، هرات، کلات و غیره که يك وقتی جزو مملکت ما بوده، همزمان، هم نژاد یا هم کیش ما هستند و ما در آنجا «حقوق تاریخی» داریم در قلمرو ایران داخل شود. کس نشنیده است که ما بهوای دست انداختن بان نقاط تبلیغات و اختلال بنمائیم. در صورتیکه دیگران در مملکت ما هر وقت هر چه توانسته کرده اند. راستی بعقیده نگارنده ایران نباید خارج از حدود امروزی خود نظر سیاسی داشته باشد. فقط جایز

خواهد بود که بترویج زبان و ادبیات خود در ممالك خارجه توجه داشته باشیم.

سیاست داخلی

در سطور فوق اساس سیاست داخلی را که ما بان معتقد هستیم بیان کردیم و آن عبارت بود از حفظ و تکمیل وحدت ملی ایران بوسائل مناسب مخصوصاً ترویج زبان فارسی.

بعد از این «ایده‌ال» مطلوب دوم ما آبادی ایران بدست سیاست اقتصادی و تجاری خود ایرانیان میباشد. ولی ما مثل بعضی کمک و سرمایه خارجی را «نجس» نمیدانیم و معتقدیم تا وقتی که مضار سیاسی درکار نباشد باید از سرمایه های خارجی برای آبادی مملکت کاملاً استفاده کرد. ما معتقدیم که دولت باید يك سیاست اقتصادی و تجارتی مناسب با اوضاع مملکت اتخاذ نماید تا بسرعت و بدون اشکالات هم سرمایه داران داخلی و خارجی بتوانند با استخراج منابع ثروتی، ساختن راهها و غیره مبادرت نمایند و هم در عین حال صادرات ما زیاد و واردات کم شود. این مطلب را از بس مهم است ما موضوع مقاله و تحقیقات مخصوصی قرار خواهیم داد.

☆☆☆

مسئله مهم دیگر توجه بحالت اجتماعی و اخلاقی مردم ایران است. سیاست اجتماعی مملکت ما قرنهای دنیای متمدن عقب مانده است و بکمان ما دولت و اشخاص روشن فکر باید هادی ملت شده با سرعتی که بزمین نخورد او را جلو ببرند. زندگانی انفرادی و اجتماعی مردم ایران بقیاس ملل متمدن بسیار پست است. در این عصر نورانی دور منقل و افور نشستن، چند نفر در يك کاسه با دست غذا خوردن و امثال آنها برای يك ملت آبرومندی ننگ است! باید این حقیقت تلخ را پذیرفت که ایران جزو ملل نیمه متمدن دنیا محسوب است و محتاج بتجدید نظر در دستور زندگانی انفرادی و اجتماعی خود میباشد. اصلاً باید طرز زندگانی مردم را تغییر داد. این مسئله از غامضترین

قضایاست ولی بااوضاع حاضره تندروی درآن قطعاً جایز نیست ، ازطرف دیگر يك حكومت مقتدر و مطلعي میتواند و باید بپاره اي از اصلاحات اجتماعی دست بزند . دولت باید خود را عامل ترقی و پیش آهنگ تمدن نماید . عظمت بطرکییر تنها بواسطه این نیست که روسیه را توسعه داد و در آن مملکت نظم و امنیت برقرار نمود ، بلکه قسمتی هم بواسطه آنست که روسها را از حیث زندگانی ترقی داد و در جمع ملل متمدن داخل نمود . (این موضوع را هم وقتی دیگر مفصلاً شرح خواهیم داد .)

در این مملکت دودسته افراطی و تفریطی پیدا شده اند : یکی آنها که میگویند نباید هیچ چیز دست زد ، حتی طرز زندگانی پنجاه سال پیش را هم نسبت بامروز ترجیح میدهند ، با هر تغییر و اصلاحی مخالفند ، اگر يك دسته از جوانهای حساس و ترقی خواه بلحاظ حفظ الصحه و راحتی مختصر تغییری در کلاه بدهند حاضر برای اذیت و تکفیر آنها هستند . يك دسته دیگر هم بعضی از آن تندروهای افراطی میباشند که میخواهند دو روزه ابرار را زیرورو کنند . مثلاً میخواهند در سر هر گذر قهوه خانه « شیکی » باز شود و همیشه يك عده کثیر زن و مرد در میان ابر های دود غوطه ور باشند ، یا در هر خیابان چندین شرابخانه دائر گردد و مرد و زن تا دل شب و تا سپیده دم بنوشند و برقصند ... ما با هیچ يك از این دو دسته نمیتوانیم موافقت کنیم . اعتقاد ما بر این است که از يك سو باید ادب و عادات خوب باستانی خود را نگاه داریم و از دیگر سو قسمت خوب تمدن غرب را هم قبول نمائیم . در نتیجه ما عقیده داریم که دولت باید از این بی نقشی حاضر بیرون آمده سیاست اجتماعی معتدلی را تعقیب نماید . بنظر ما وضع امروزی مملکت در خور بیش از این نیست . نظریات مفصل خود را در این زمینه محول بشاره های بعد مینمائیم .



مطلب مهم دیگر که ملت احتیاج زیاد بان دارد و امیدواریم ورزش دولت آنرا مورد توجه جدی قرار بدهد تعمیم و ترویج و حفظ الصحه ورزشهای بدنی و حفظ صحت عمومی است. از بس کتاب و مقاله در این موضوع نوشته شده ذکر فوائد آن تکرار مکرر خواهد بود. اما با وجود اینکه در خوبی و لزوم آن تردیدی نیست رونق و رواجی که باید در ایران داشته باشد ندارد. نگارنده این سطور «معجزاتی» که از ورزش دیده و فوائدی که برای آن قائل است اگر بخواهد شرح دهد اسباب حیرت بسیاری از خوانندگان خواهد گردید. تعلیم ورزش را باید نه تنها در مدارس مقدماتی بلکه متوسط و عالی نیز از قبیل مدارس طب، حقوق سیاسی و دارالفنون اجباری نمود و مراقبت کامل در اجرای آن داشت. معالین مخصوصی برای این کار لازم است و باید تربیت کرد. امروز که وزارت معارف دارای يك مجله مخصوصی بنام «تعلیم و تربیت» است بگمان ما باید نصف اوراق آن بورزش اختصاص داده شود، گذشته از مقالات و اخبار راجع بورزش باید دستور های مختلفی که برای ورزش در خانه و انواع ورزشهای دیگر، زنانه و مردانه، پسرانه و دخترانه، موجود است مخصوصاً با تصاویر لازم بطبع برساند. ما باندازه خود در این مجله اقدام خواهیم کرد. گرچه عقیده ابرا که میخواستیم ذیلاً بیان کنیم باعث تعجب اشخاصی خواهد شد که باندازه ما اعتقاد بورزش ندارند، معیناً هرچه بااداباد میگوئیم: ما معتقدیم که مسئله ورزش برای ایران آن اندازه اهمیت دارد که اگر دولت و اعضاء ادارات، معالین و کلیه کسانی را که از دولت حقوق دریافت میکنند مجبور بورزش نماید خدمت بزرگی بمملکت نموده است. راه آن اینست که چندین ورزشگاه که دارای همه نوع وسائل ورزش از قبیل شنا در آب، ژیمناستیک، تنیس فوت بال و غیره باشد در نقاط مختلفه شهر تأسیس نماید و حقوق بگیر های خود را مجبور بعضویت در آنها کند یعنی از حقوق آنها بابت «ابونمان»

ورزشگاه کم کند. ما یقین داریم که با این ترتیب غالب اهل طهران ورزش خواهند نمود. بعد از آنکه در طهران کامیابی حاصل شد میتوان بنقاط دیگر پرداخت. بهر حال ما نظر کفیل محترم بلدیہ را متوجه بساختن يك ورزشگاه بزرگ بلدی میمائیم که مخصوصاً دارای دریاچه سر پوشیده با آب جاری باشد.

گرچه رواج زیاد ورزش دخالت عمده در حفظ صحت عمومی دارد، معینا باید دولت توجه مخصوصی باین مسئله اخیر داشته باشد، 'مزیتخانه های خوب و پاکیزه بسبک اروپا دایر نماید، جلوگیری از شیوع امراض بکند و ترتیب صحیحی برای آب خوردن مردم بدهد تا جویهای آب جای زائیدن و مردن سگهای خیابان نباشد.



دو مسئله دیگر که بنظر ما در بهبودی اوضاع ایران دارای کمال اهمیت است یکی مطبوعات خوب و دیگر پارلمان خوب است. بمطبوعات باید آزادی کامل داد تا در مصالح مملکتی بحث نمایند بدون اینکه بتوانند از آزادی سوء استفاده کرده حمله بدولت یا باشخاص نمایند و مخل امور شوند. اما مجلس و انتخابات... بهتر است این موضوع خیلی مهم را بگذاریم برای شماره های بعد.

پیش از ختم این مبحث نکته دیگری را که میخواهیم تا کید کنیم استفاده از خدمات مستشاران امریکائیست که کم کم خودی و بیگانه صلاحیت و پیشرفت آنها را تصدیق میکنند.

برای اینکه مجال باشد اندکی هم در خصوص سیاست خارجی سخن برانیم، عقیده خود را در خصوص سیاست داخلی خلاصه کرده، این دو چیز را شعار خود میسازیم: سیاست ملی - استعمار داخلی



سیاست خارجی

ناچار خوانندگان محترم می‌خواهند نظریات ما را راجع سیاست خارجی بدانند. ما هم از اظهار عقیده خود امساک نمی‌کنیم، زیرا چون این مجله دارای عقیده ثابت و روش مستقیم است می‌تواند خوانندگان خود را از امروز بسبک و مسلک خود بدون اینکه ترس تردید و تکذیب داشته باشد آشنا نماید.

افکار شخصی ما تقریباً همان جریانی را پیروی کرد که افکار عمومی مملکت دنبال نموده است. تازمانیکه سلطنت تزاری در روسیه برقرار بود و ایران از آن دولت جابر صدمات گوناگون میدید احساسات ما برضد آن مملکت بود، ولی تنها کاری که می‌توانستیم بکنیم نوشتن مقالاتی در آن زمینه بود.

وقتی که جنک بین المللی پیش آمد در اروپا بودیم و بالطبع احساسات ما بطرف آن دولتی تمایل داشت که با دشمن خونی مملکت ما یعنی روسیه در جنک بود و آن دولت عبارت بود از آلمان. اما هنگامی که بعد

سیاست در زمان
جنک

از انقلاب روسیه تزاری و از گون گردید و از طرف دیگر متحدین آلمان عثمانیها در آذربایجان و در قفقاز یعنی در داخل و خارج مملکت ما بنای دست اندازی و فتنه سازی گذاشتند بالطبع احساسات شخصی ما هم تغییر کرد. از طرف دیگر بنا بر فرضیاتی تصور میکردیم که انگلیسها در آینده يك سیاست ایران نوازی اختیار خواهند کرد... فرضیات ما عبارت از این بود که منافع سیاسی انگلیسها در ایران مربوط بحفظ هندوستان است و بودن يك ایران قوی و دوست در سرحد هند مفید بحال انگلیس میباشد، و از طرف دیگر گمان میکردیم که امضای قرار داد ۱۹۰۷ از جانب حکومت

انگلیس بملاحظه اقتدار روسیه ورقابت آلمان بوده و درحقیقت کاری را ناچار برخلاف میل و صلاح واقعی خود کرده بود و چون در پایان جنگ هردو رقیب از میان رفته بودند امید داشتیم دولت انگلیس موقع را مغتنم شمرده ایرانرا حقیقه تقویت نماید. بنابراین تصورات در اواخر جنگ و اوایل صلح احساسات ما بکلی تغییر کرد.

در این گیرودار بود که يك مرتبه «قرارداد نهم اوت ۱۹۱۹»
 که گویا نه ماه مذاکرات مخفیانه آن طول کشیده بود از
 ۱۹۱۹ پس پرده بیرون آمد. همانطور که اگر مادری مدت نه ماه
 آبستن باشد و کس را از آن خبر نباشد چون غفله بزاید
 در «حلالزادگی» طفل او تردید است مانیز در حلال زاده بودن قرارداد ۹ ماهه
 ۹ اوت ۱۹۱۹ شك داشتیم... ما هم طرفدار عقد قرارداد دوستانه ای
 که منافع مملکتین را بطرز رضایت بخشی تأمین کند بودیم
 اما بنظر ما این قرار داد بنحوی که تدوین شده بود تاسف
 آور و حتی اسباب تعجب بود، زیرا تصور نمیکردیم بتواند منافع
 دو مملکت را تأمین نماید و حوادثی که در تعاقب آن واقع شد
 و منتهی بالفاء آن گردید بما حق داد. انگلیسها از سیاست ۱۹۱۹
 و سوء نتیجه ای که از آن گرفته پشیمانند.

پلتیک جدید
 انگلیس

از آنچه نمایان است سیاست تازه آنها تقویت
 ایران و احترام استقلال این دولت میباشد. چون
 این روش کاملاً بمنفعت ایران و انگلیس است باید طرفین سعی
 کنند که خللی بان وارد نیاید.

انگلیسها باید حس کرده باشند که يك دولتی نمیتواند در مملکت

دیگر هر قدر هم مردم آن فاسد الاخلاق باشند يك سياست اساسی و دائمی را روی «فساد» «Corruption» بنانند. در زمان جنگ در برابر مبالغه هنگفتی که آلمانها خرج میکردند دشمنان آنها هم معذور بودند، اما بطور کلی پول دادن باین و آن برای حفظ و ازدیاد نفوذ بگمان ما سیاست عاقلانه ای نمیباشد، زیرا آنها که برای پول طرفدار کسی میشوند پس هر کس بانها بیشتر یا آخر تر پول بدهد تحت نفوذ او خواهند بود، و چون باد نامساعدی بجنبد هر يك براهی میروند. نیکوئییم خارجی ها در ایران از اینطور اشخاص استفاده های موقتی نکرده، اما از طرف دیگر این استفاده کنندگان هم هر يك باندازه خود کلاه از سر آنها ربوده یا کلاه بسر آنها گذاشته اند. باید سعی کرد در يك مملکت معتقد و طرفدار پیدا کرد و اینطور طرفداران در میان اشخاصی پیدا میشوند که بتوان نظریات ملی و منافع مملکتی آنان را تاهین نمود. اتخاذ يك همچو سیاستی از برای دولی که حقیقه منافع آنها منافی مصالح این مملکت باشد کاری دشوار بلکه غیر ممکن است اما از برای دولت انگلیس که بگمان ما باید علاقه مند بیک ایران مستقل و دوست باشد و منافع مشترك حیاتی با این مملکت دارد بسیار آسان است.



ایران باید بی اندازه از مؤسسين دولت جدید روسیه
متشکر باشد، زیرا اگر قائد ملی ان مملکت، مرد بزرگ
عصر حاضر (لنین) و رفقاییش اساس جور و ستم تزاری را
واژگون نکرده بودند شاید وطن عزیز ما امروز از يك
اصطلاح جغرافیائی و چند صفحه تاریخ بیش نبود. نه تنها بطور غیر مستقیم
انقلابیون روسیه بمملکت ما فایده رساندند، بلکه از ابتدای امر بواسطه
الغاء قرار داد شوم ۱۹۰۷ و ابطال قروض ایران نسبت بروسیه و اعطای
راه آهن تبریز و مؤسسه بانک استقراضی روس و غیره فواید مستقیم بیشمار
بما رسانیدند که فراموش کردن آنها یکنوع کفران نعمت خواهد بود.

سیاست
روسیه

سیاست دوستانه و کریمانه بالشویکها نتایج خوبی برای مملکت روسیه نیز داشت: ایرانیان که روسها را دشمن جانی خود میدانستند و برای خون آنها تشنه بودند در تعاقب سیاست جدید بکلی کینه دیرینه فراموش کرده تمایل زیادی بجانب آنها پیدا نمودند. اما بعد در مسائل اقتصادی آنطور که ایرانیان منتظر بودند از طرف روسها مساعدت نشد. مثلاً در مسئله «ترانزیت» یعنی عبور مال التجاره از خاک روسیه تسهیلاتی که لازم بود، وعده داده بودند و منتظر بودیم نکردند. وسائلی فراهم آورده نشد که اجناس صادره از ایران مثل قبل از جنگ در روسیه با آزادی کامل بمصرف برسد...

شاید این پیش آمده ها از سوء سیاست بعضی اشخاص بوده و امیدواریم نماینده جدید دولت جواهری روی روسیه اقدامات مجدانه در بهبودی روابط اقتصادی مملکتین بنمایند. بهر حال عقیده ما بر این است که ایران باید دوره تزاری را همیشه بیاد خود داشته باشد، حکومت امروزی روسیه را اسباب سعادت خود بداند و روابط و دادیه خود را با آن دولت محکم نماید. (نظر باینکه این مقدمه بی اندازه طولانی شد مابقیه موضوع سیاست خارجی را در شماره های بعد تعقیب خواهیم کرد.)



در خاتمه این نکته را هم اضافه نمائیم که این مجله با هیچ مقام، جمعیت و حزبی بستگی ندارد و يك نامه مستقل و آزاد است و برای انتشار کلیه افکاری که داخل در این مرام باشد و مخالف منافع مملکت و مخل امنیت عمومی هم نباشد حاضر است. در حقیقت این مجله آئینه افکار عمومی خواهد بود

دکتر محمود افشار



حضرت اشرف آقای سردار پهلوی

رئیس الوزراء و رئیس کل قوا